

دانش و پژوهش در علوم تربیتی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
شماره دوازدهم - زمستان ۱۳۸۵
صص ۸۶ - ۷۱

بررسی نقش آموزش عالی و دانشگاه در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی زنان

رمضان حسن زاده^۱

چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش آموزش عالی و دانشگاه در امور آموزشی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی زنان است. روش پژوهش از نوع توصیفی و زمینه یابی است و نمونه آماری آن ۱۴۰ فارغ التحصیل و ۹۰ دانشجوی مازندران و ۲۵ عضو هیأت علمی زن است که با روش نمونه گیری تصادفی و طبقه ای انتخاب شدند. حجم نمونه با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه بر حسب انحراف معیار جامعه برآورد شد. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه استفاده شد. در پژوهش حاضر چهار فرضیه مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان داد که: ۱- آموزش عالی و دانشگاه در امور آموزشی زنان تأثیر دارد ($P < 0.05$)، ۲- آموزش عالی و دانشگاه در امور فرهنگی-اجتماعی زنان تأثیر

۱- دانشیار گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی ساری و عضو انجمن پژوهشهای آموزشی ایران

دارد ($t = 38/98, P < /5$) ۳- آموزش عالی و دانشگاه در امور اقتصادی زنان
تأثیر دارد ($t = 72/05, P < /5$) ۴- سهم پیامدهای آموزش عالی و دانشگاه در
امور آموزشی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی متفاوت است ($P < /5$) ،
($f = 640/93$).

کلید واژه‌ها: آموزش عالی، دانشگاه، زنان، پیشرفت.

مقدمه

آموزش عالی یکی از عناصر اساسی فرایندهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر
کشوری است. طی دهه‌های اخیر، کشورهای زیادی از جمله ایران، به نحوی درصد
گسترش آموزش عالی برآمده‌اند. تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی، غیر انتفاعی و مراکز و
مؤسسات آموزشی و پژوهشی دولتی و غیردولتی از جمله این اقدامات هستند. این
گسترش همراه با حضور و مشارکت بیشتر زنان در آموزش عالی بوده است. یافته‌های
پژوهش‌ها نشان‌دهنده این واقعیت است که از دهه ۱۹۶۰ میلادی، تعداد زنان تحصیلکرده
در کشورهای جهان سوم (آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین) افزایش چشمگیری داشته است.
در ایران تعداد زنان شرکت کننده در برنامه‌های آموزش عالی از ۲۴/۷ درصد (۱۱۶۹۸۰
دانشجو) در سال ۱۹۶۹ به ۳۸/۲ درصد (۲۳۸۶۸۷ دانشجو) در سال ۱۹۹۷ افزایش
یافته است. این افزایش درصد دانشجویان دختر، موفقیت آنان در عرصه‌های علمی و
اجتماعی را به وضوح نشان می‌دهد (صالحی، ۲۰۰۱، ص ۱۲۵).

توجه به آموزش عالی هم از نظر افزایش مشارکت زنان در آن اهمیت دارد و هم
به این دلیل که این نهاد بر اثر فرایند جهانی شدن، در تمامی کشورها جایگاهی مهمتر
یافته است. در این خصوص نکته اصلی در این واقعیت نهفته است که یک نظام
آموزشی مناسب باید افراد را آموزش دهد تا بتوانند از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی
با گروه‌های بین‌المللی به اقتصاد جهانی جدید راه یابند و در صورت امکان دست به
تولید فناوری‌های جدید داخلی بزنند. در غیر این صورت کشورهای در حال توسعه
نخواهند توانست در چرخه فعالیت‌های اقتصاد جهانی حضور یابند (شکوری‌راد و
کریمی، ۱۳۸۰).

اکنون که نقش انکارناپذیر زنان در فرایند توسعه پایدار بر همه اثبات شده، لازم است نظام تعلیم و تربیت کشور با ایجاد فرصتها و امکانات برابر در فرایند توانمندسازی و شکل‌گیری نگرشها و گرایش‌های تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان دختر به جبران گذشته پرداخته و کشور را از این نیروی عظیم انسانی بهره‌مند سازد (یزدانی، ۱۳۸۳).

بدون تردید بخش آموزش کشور به‌خصوص آموزش عالی به‌عنوان کانون پرورش و تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد و مرکز تولید علم و کسب مهارت‌های فنی، پزشکی، آموزشی و غیره از اهمیت و جایگاه والایی به‌منظور کمک به توسعه همه‌جانبه کشور برخوردار است. در طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی رشد کمی قابل‌توجهی در بخش آموزش عالی کشور اتفاق افتاد. افزایش تعداد رشته‌های تحصیلی، دانشجویان و بسیاری از شاخص‌های کمی دیگر که از جهش قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار بود، به لطف تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور، دوره‌های شبانه و پاره‌وقت و غیره بود. انبوه جوانان مشتاق و مستعد به فراگیری دانش و تخصص در مقاطع و گرایش‌های مختلف وارد این دانشگاهها شدند. این فرصت آموزش به‌ویژه برای دختران و زنان یک فرصت مهم به‌شمار می‌رفت (صحرائیان، ۱۳۸۲، ص ۹۱). امروزه توجه به موقعیت زنان به‌عنوان نیمی از نیروی انسانی جامعه از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است. بدیهی است که ورود زنان به مراکز آموزشی و دانشگاهها برای به‌ظهور رساندن توانایی و شایستگی آنان فرصت بیشتری را فراهم می‌کند (حسن‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۶۴).

یکسان بودن توسعه آموزش عالی برای زنان و مردان، بدون هرگونه تبعیض و فارغ از نگرش جنسیتی به زنان در مقابل مردان، شرایط حضور روزافزون آنان را در این بخش فراهم کرد و تا آنجا پیش رفت که در سال ۱۳۷۹ تعداد پذیرفته‌شدگان زن در دانشگاههای دولتی و غیردولتی از مردان بیشتر شد و سهم مناسبی از ظرفیت آموزش عالی را به خود اختصاص داد. افزایش سهم زنان در آموزش عالی و مراکز آموزش دولتی و غیردولتی پیامدهای مختلف در بخش‌های متعدد فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی خواهد داشت (پیشگاهی‌فرد و اسدی‌راد، ۱۳۸۲، ص ۱۱۶).

یکی از شاخص‌های مهم اجتماعی در توسعه هر کشور سواد است. سواد موجب ارتقای آموزش عمومی جامعه می‌شود و افزایش سطح عمومی دانش بر میزان و نحوه مشارکت سیاسی، اقتصادی، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و مشارکت همه‌جانبه مردم تأثیر می‌گذارد. به علاوه، سواد فرصت‌های بیشتری را برای افراد ایجاد می‌کند و به‌طور کلی افراد را نسبت به اندیشه‌های نو پذیرا کرده و آنان را در انتخاب توانا می‌کند. از این‌رو همواره در برنامه‌های کلان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بحث آموزش، مراکز دانشگاهی و آموزشی و آموزش برای همه، یکی از مباحث عمده و ضرورت‌های اجتماعی است (یزدانی، ۱۳۸۲).

انسانها در پرتو آموزش متحول می‌شوند و آموزش از اساسی‌ترین و مهمترین راههای انتقال دانش است. از این‌رو هر جا که آموزش نباشد و یا به نحو صحیح و دقیق اجرا نشود تجارب تمدنی و علمی به‌صورت منظم تداوم و انتقال نخواهد یافت. بسیاری از کارشناسان معتقدند که محدودیت دسترسی زنان به منابع توسعه یکی از مهمترین علل رشد سریع جمعیت و علت اولیه فقر است. بر اساس تخمین سازمان ملل متحد، زنان حدود ۷۰ درصد از مردم فقیر جهان را تشکیل می‌دهند. دو سوم بی‌سوادان جهان را زنان تشکیل می‌دهند. میزان بی‌سوادی چشمگیر زنان یکی از شاخص‌های تبعیض جنسیتی است که موجب ماندن زنان در خانه و فرصت محدود اشتغال و درآمد مالی می‌شود که خود موجب کاهش رفاه اقتصادی زنان، وابستگی بیشتر به مردان، کاهش توانایی در تسلط و شناخت املاک، دارایی، سلامتی و حقوق قانونی آنان خواهد بود. گزارش‌ها نشان داده است که میزان بازدهی آموزش دختران بیشتر از بازدهی آموزش پسران است. همچنین بین افزایش سطح تحصیلی دختران و زنان با کاهش میزان باروری، کاهش مرگ و میر نوزادان، تأخیر در سن ازدواج، اشتغال زنان، مرگ و میر مادران و حفظ محیط زیست، همبستگی وجود دارد. بنابراین سرمایه‌گذاری در بخش آموزش زنان بیشترین سوددهی را برای کشورهای در حال توسعه به ارمغان می‌آورد (امیریان‌زاده، ۱۳۸۳).

کنفرانس جهانی زنان در پکن را باید از نظر توجه به توانمندی اجتماعی زنان، نقطه عطفی تلقی کرد. در این کنفرانس از یک‌سو به مسئله جنسیت به‌عنوان یکی از عوامل و عناصر اصلی فرایند توسعه تأکید شده است و از سوی دیگر توصیه‌های کاربردی‌تر و

واقع بینانه‌تری به تصویب رسیده است که زنان را در به‌دست آوردن جایگاه خاصی که در قرن بیست‌ویکم دارند یاری می‌دهد (شکوری‌راد و کریمی، ۱۳۸۰).

دانشگاهها، چه دانشگاههای دولتی و چه غیر دولتی، در پیشبرد امور آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور نقش مهمی دارند. دانشگاهها یکی از پیچیده‌ترین و متحول‌ترین نظام‌هاست که در توسعه همه جانبه جامعه از جایگاه ویژه و ممتاز برخوردار است. تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی، در مقایسه با سایر دانشگاهها، تأثیرات متعددی در امور آموزشی، فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی دارد. امروزه جوانب مختلف توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی را می‌توان در چگونگی و میزان مشارکت زنان در عرصه‌های گوناگون دید. تحرکهای توسعه‌ای با افق‌های گشوده در فعالیت زنان در جامعه همراه است و اختلال در فرایندهای توسعه با تبعیض‌های جنسیتی نسبت دارد. متأسفانه چهره جهانی فقر، بی‌سوادی و محدودیت‌های آموزشی هنوز بیشتر برای زنان است و زنان با مردان در برخورداری از منزلت، ثروت و قدرت دارای فرصتهای برابر نیستند. به این دلیل فراهم ساختن زمینه‌های حضور و مشارکت فعال اجتماعی برای زنان و اهتمام به مقوله مهم توانمندسازی زن در جامعه از راهبردهای اساسی توسعه همه‌جانبه برشمرده می‌شود. یکی از نزدیکترین و روشن‌ترین راههای رفع تبعیض‌های جنسیتی و تلاش برای بالندگی و شکوفایی توانایی زنان، گشودن عرصه‌های آموزشی و به‌خصوص آموزش عالی به روی آنان است. زنان برخوردار از آموزش عالی به‌طور کلی قادر به ایفای نقش‌های فعال‌تر اجتماعی و ارتقای سطوح مشارکت در جامعه هستند (ایمانی و مردیها، ۱۳۸۱، ص ۸۷).

خوشبختانه در پرتو پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با تأسیس دانشگاهها، مراکز و مؤسسات مختلف آموزشی و پژوهشی، زمینه‌های جدیدی برای دستیابی زنان به آموزش عالی فراهم شد که پیشی گرفتن دختران و زنان بر پسران و مردان در رقابت ورود به دانشگاه و بالا رفتن میزان ورود زنان به دانشگاه شاخص آشکار آن است. این تحول مهم را باید به فال نیک گرفت و در عین حال ریشه‌ها، ابعاد و نتایج آن را در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی بررسی کرد. تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش در پیشرفت زنان تأثیر دارد.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- آموزش عالی و دانشگاه در امور آموزشی زنان تأثیر دارد.
- ۲- آموزش عالی و دانشگاه در امور فرهنگی- اجتماعی زنان تأثیر دارد.
- ۳- آموزش عالی و دانشگاه در امور اقتصادی زنان تأثیر دارد.
- ۴- سهم پیامدهای آموزش عالی و دانشگاه در امور آموزشی، فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی متفاوت است.

روش

روش این پژوهش از نوع توصیفی و زمینه‌یابی است. جامعه آماری این پژوهش فارغ‌التحصیلان، دانشجویان و اعضای هیأت علمی زن دانشگاه آزاد اسلامی مازندران هستند. حجم نمونه از بین جامعه آماری بر حسب انحراف معیار جامعه برآورد شد و ۲۳۰ دانشجو و فارغ‌التحصیل به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند (از این تعداد ۲۲۷ نفر در تحلیل آماری قرار گرفتند و ۳ نفر (۲ نفر فارغ‌التحصیل و ۱ نفر دانشجو) به دلیل پاسخ ندادن به پرسشنامه‌ها در تحلیل آماری قرار نگرفتند. همچنین ۲۵ نفر از اعضای هیأت علمی زن دانشگاه برای کسب اطلاعات تکمیلی انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش مختلط و ترکیبی (تصادفی و طبقه‌ای) است. نمونه از بین دانشجویان و فارغ‌التحصیلان بر اساس تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. براساس نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای زیرگروهها با همان نسبتی که در جامعه وجود دارند، در نمونه نیز به‌عنوان نماینده جامعه، وجود دارند. از بین فارغ‌التحصیلان ۱۴۰ نفر و دانشجویان ۹۰ نفر در نمونه انتخاب شدند. در مورد اعضای هیأت علمی نیز ۲۵ نفر از اعضای هیأت علمی زن به‌صورت تصادفی انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه است که پژوهشگر بر اساس فرضیه‌های تحقیق و به‌منظور آزمون فرضیه‌ها تدوین کرده است. پرسشنامه ۲۰ جمله دارد. از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت برای پاسخگویی به پرسشنامه استفاده شد. نحوه

نمره‌گذاری آن عبارت است از: خیلی زیاد (۵ نمره)، زیاد (۴ نمره)، تا حدی (۳ نمره)، کم (۲ نمره) و خیلی کم (۱ نمره).

حداکثر نمره کسب شده در این ابزار ۱۰۰ و حداقل نمره ۲۰ است. این ۲۰ جمله پرسشنامه تأثیر آموزش عالی و دانشگاه را در امور آموزشی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی زنان سنجش و اندازه‌گیری می‌کند. از طریق سؤالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ پرسشنامه پیامدهای آموزش عالی و دانشگاه در امور آموزشی اندازه‌گیری می‌شود. از طریق سؤالات ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ پرسشنامه پیامدهای آموزش عالی و دانشگاه در امور اقتصادی اندازه‌گیری می‌شود. از طریق سؤالات ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ پرسشنامه پیامدهای آموزش عالی و دانشگاه در امور فرهنگی-اجتماعی اندازه‌گیری می‌شود. روایی محتوایی و صوری پرسشنامه به تأیید استادان و متخصصان سنجش و اندازه‌گیری رسید. پایایی ابزار اندازه‌گیری و گردآوری داده‌ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ و بر اساس مطالعه مقدماتی بر روی آزمودنیها ۰/۸۹ به دست آمد که از لحاظ آماری پایایی قابل قبولی است (حسن‌زاده و مداح، ۱۳۸۵).

نتایج

در این قسمت به نتایج و آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود. فرضیه اول: آموزش عالی و دانشگاه در امور آموزشی زنان تأثیر دارد.

جدول ۱- خلاصه تجزیه و تحلیل آماری

شاخص آماری	میانگین	انحراف معیار	t_0	t_c	سطح	آلفا
فرضیه					اطمینان	
اول	۲۲/۵۳	۳/۷۰۹	۸۳/۵۹	۱/۹۶	٪۹۵	۰/۰۵

بر اساس جدول ۱ چون t محاسبه شده ($t_0 = ۸۳/۵۹$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha = ۰/۰۵$) و درجه آزادی $df = ۲۵۱$ از t جدول بحرانی ($t_c = ۱/۹۶$) بزرگتر است، بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تأیید می‌شود و می‌توان دریافت که آموزش عالی و دانشگاه در امور آموزشی زنان تأثیر دارد.

فرضیه دوم: آموزش عالی و دانشگاه در امور فرهنگی- اجتماعی زنان تأثیر دارد.

جدول ۲- خلاصه تجزیه و تحلیل آماری

شاخص آماری	میانگین	انحراف معیار	t_0	t_c	سطح اطمینان	آلفا
دوم	۱۵/۷۱	۵/۱۷۶	۳۸/۹۸	۱/۹۶	٪۹۵	۰/۰۵

براساس جدول ۲ چون t محاسبه شده ($t_0 = 38/98$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha = 0/05$) و درجه آزادی $df=251$ از t جدول بحرانی ($t_c=1/96$) بزرگتر است، بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تأیید می شود بدین ترتیب که آموزش عالی و دانشگاه در امور فرهنگی- اجتماعی زنان تأثیر دارد.

فرضیه سوم: آموزش عالی و دانشگاه در امور اقتصادی زنان تأثیر دارد.

جدول ۳- خلاصه تجزیه و تحلیل آماری

شاخص آماری	میانگین	انحراف معیار	t_0	t_c	سطح اطمینان	آلفا
سوم	۳۲/۴۴	۶/۴۸۶	۷۲/۰۵	۱/۹۶	٪۹۵	۰/۰۵

براساس جدول ۳ چون t محاسبه شده ($t_0 = 72/05$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha = 0/05$) و درجه آزادی $df=251$ از t جدول بحرانی ($t_c=1/96$) بزرگتر است، بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می شود بدین ترتیب که آموزش عالی و دانشگاه در امور اقتصادی زنان تأثیر دارد.

فرضیه چهارم: سهم پیامدهای آموزش عالی و دانشگاه در امور آموزشی، فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی متفاوت است.

جدول ۴- خلاصه تجزیه و تحلیل آماری (ANOVA)

منابع تغییر	SS	Df	MS	F	α یا P
بین گروهها	۳۵۵۳۱/۸۱۶	۲	۱۷۷۶۵/۹۰۸		
درون گروهها	۲۰۸۷۲/۳۸۵	۷۵۳	۲۷/۷۱۹	۶۴۰/۹۳	۰/۵
جمع	۵۶۴۰۴/۲۰۱	۷۵۵			

بر اساس جدول ۴ چون F محاسبه شده ($F=640/93$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha=0/05$) و درجات آزادی ۷۵۳ و $df=2$ از F بحرانی جدول ($F = 19/50$) بزرگتر است، بنابراین فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق تأیید می شود و در نتیجه سهم پیامدهای آموزش عالی و دانشگاه در امور آموزشی، فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی متفاوت است. از آنجا که تجزیه و تحلیل واریانس معنادار شده و فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید شده است باید از آزمونهای تعقیبی استفاده کرد تا نشان داد که تفاوت واقعی بین میانگین های سه گانه امور آموزشی، فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی کجاست. برای این منظور از آزمون تعقیبی توکی (HSD)^۱ استفاده شد.

جدول ۵- خلاصه تجزیه و تحلیل آزمون توکی (HSD)

	$\bar{X}_A = 22/53$	$\bar{X}_B = 15/71$	$\bar{X}_C = 32/24$
$\bar{X}_A = 22/53$.	۹/۸۶	۶/۸۴
$\bar{X}_B = 15/71$.	۱۶/۷۰
$\bar{X}_C = 32/24$.

بر اساس اطلاعات جدول ۵ مقدار بحرانی آزمون توکی (۴/۱۲) ملاحظه می شود که تفاوت همه میانگین ها با یکدیگر در سطح ۰/۰۵ معنادار است. تفاوت میانگین گروه اول (امور آموزشی) با گروه دوم (امور فرهنگی- اجتماعی) برابر ۹/۸۶ است. تفاوت

1 – Honestly Significant Difference

میانگین گروه اول (امور آموزشی) با گروه سوم (امور اقتصادی) برابر $6/84$ است. تفاوت میانگین گروه دوم (امور فرهنگی-اجتماعی) با گروه سوم (امور اقتصادی) برابر $16/70$ است. بنابراین سهم پیامدهای آموزش عالی و دانشگاه در امور آموزشی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی متفاوت است. بر اساس میانگین‌ها به ترتیب آموزش عالی و دانشگاه در امور اقتصادی ($c\bar{X} = 32/24$)، در امور آموزشی ($a\bar{X} = 22/53$) و امور فرهنگی-اجتماعی ($b\bar{X} = 15/71$) زنان تأثیر دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه فرضیه اول نشان داد که آموزش عالی و دانشگاه در امور آموزشی زنان تأثیر دارد. نتیجه این فرضیه با نتایج سایر تحقیقات همسان است. پیشگاهی‌فرد و اسدی‌راد (۱۳۸۲)، آکوچیکیان (۱۳۸۲)، انوری (۱۳۸۲)، عبدوس (۱۳۸۳)، معروفی (۱۳۸۳)، بریری (۱۳۸۳)، بوردن (۲۰۰۴)، نافیسینگر (۲۰۰۲) و صالحی (۲۰۰۱) نیز در تحقیقات خود نشان دادند که تأسیس دانشگاه و حضور زنان در مراکز آموزش عالی و دانشگاهی می‌تواند در امور آموزش و سطح آگاهی زنان تأثیر داشته باشد. برای مثال بوردن (۲۰۰۴) به این نتیجه دست یافت که آموزش عالی در حرفه‌ای شدن و جهت‌گیری تحصیلی، افزایش سطح سواد، ایجاد انگیزه تحصیلی و رشد همه‌جانبه دانشجویان دختر و پسر نقش سازنده دارد. مراکز آموزشی و دانشگاهها می‌تواند در میزان و تنوع علاقه‌ها و انگیزه‌های زنان نسبت به تحصیل و رشته‌های تحصیلی مختلف نقش داشته باشد. بریری (۱۳۸۳) خاطر نشان می‌کند که سرمایه‌گذاری در آموزش دختران پربازده‌ترین سرمایه‌گذاری در جهان برای توسعه است. امیریان‌زاده (۱۳۸۳) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که آموزش زنان می‌تواند در رشد فرهنگی و آموزشی آنها تأثیر داشته باشد.

نتیجه فرضیه دوم نشان داد که آموزش عالی و دانشگاه در امور فرهنگی-اجتماعی زنان تأثیر دارد. نتایج تحقیقات دیگر نیز همخوان با نتیجه این فرضیه است. پالودیا (۱۹۹۱)، صالحی (۲۰۰۱)، لاوسون و شن (۱۹۹۸)، شیفر و لام (۱۹۹۸)، مشیرزاده (۱۳۷۹)، ایرجی‌زاد (۱۳۷۹)، زنجانی‌زاده (۱۳۸۳)، عبدوس (۱۳۸۳)، قدیمی و قاسمی (۱۳۸۲)، گوی‌آبادی و ریاحی (۱۳۸۲)، زرگری (۱۳۷۸)، رئیسی (۱۳۷۸)، صفوی (۱۳۷۸) نیز در پژوهش‌های خود به این نتیجه دست یافتند که دانشگاه می‌تواند در توسعه فرهنگی-اجتماعی و رشد اجتماعی افراد نقش داشته باشد. به‌منظور توسعه کشور و مشارکت

همه‌جانبه نیروهای انسانی جامعه توجه به امر آموزش زنان لازم و ضروری است. اگر در خصوص آموزش زنان اقدامات مناسب انجام گیرد می‌تواند در کارآمد کردن زنان در توسعه کشور مؤثر باشد (بودری، نقل از شکوری‌راد و کریمی، ۱۳۸۰). دانشگاه می‌تواند در تغییر نگرش مردان نسبت به توانایی زنان، جامعه‌پذیری زنان، افزایش سطح آگاهی زنان نسبت به مسائل روز، کمیت و کیفیت حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، علاقه‌مندی زنان به مسائل مختلف فرهنگی، افزایش حضور زنان در همایش‌های و سمینارهای علمی، شرکت زنان در جلسات آموزش رسمی و غیررسمی، علاقه‌مندی زنان به فعالیت‌های هنری و ورزشی و تحولات جمعیتی و تعاملات فرهنگی-اجتماعی نقش مهمی داشته باشد.

نتیجه فرضیه سوم نشان داد که آموزش عالی و دانشگاه در امور اقتصادی زنان تأثیر دارد. با بررسی نتایج تحقیق سایر پژوهشگران بین نتیجه این فرضیه و یافته‌های پژوهش‌های دیگر همسویی و همسانی مشاهده می‌شود. رسکین (۱۹۹۳)، گیسون و میچل (۱۹۹۶)، فانگ و آماتی (۱۹۹۲)، شيفر و لام (۱۹۹۸)، اسکار و همکارانش (۱۹۸۹)، لوسون و شن (۱۹۹۸)، پالودیا (۱۹۹۱)، جاسیبرسینگ (۱۳۷۸)، بوردن (۲۰۰۴)، نافیسینگر (۲۰۰۲)، افشاری (۱۳۶۹)، سفیری (۱۳۷۳) و چنگیزی آشتیانی (۱۳۷۲) نیز در مطالعات و بررسی‌های خود به این نتیجه دست یافتند که وجود دانشگاه و مراکز پژوهشی و آموزشی در توسعه اقتصادی و رونق تجاری نقش دارد. وجود دانشگاه‌ها و حضور زنان در دانشگاه در میزان اشتغال و نوع شغل زنان و تغییر از شغل‌های سنتی به شغل‌های آموزشی و فرهنگی، در جهتگیری و هدف شغلی، در سطح درآمد مالی زنان، در میزان مشارکت مالی زنان در خانواده و استقلال اقتصادی جامعه و خانواده نقش داشته باشد. دهقانی (۱۳۷۶) به این نتیجه دست یافت که تأثیر کیفیت آموزشی بر رشد اقتصادی مثبت است. به عقیده افشاری (۱۳۶۹) به کارگیری نیروی کار زنان می‌تواند در افزایش نیروی کار جامعه و رشد و رونق اقتصادی نقش مهم داشته باشد. چنگیزی آشتیانی (۱۳۷۲) خاطر نشان می‌کند که یکی از ناشناخته‌های مهم در اقتصاد ما جایگاه و سهم زنان در تولید اقتصادی است.

نتیجه فرضیه چهارم نشان داد که سهم پیامدهای آموزش عالی و دانشگاه در امور آموزشی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی متفاوت است و آزمون تعقیبی نشان می‌دهد که آموزش عالی و دانشگاه به ترتیب در امور اقتصادی، آموزشی و فرهنگی-اجتماعی بیشترین سهم را داشته است. بین نتیجه فرضیه چهارم با یافته‌های پژوهش‌های دیگر همخوانی وجود دارد. عبدوس (۱۳۸۳) در تحقیق خود به این یافته دست یافت که

آموزش زنان در بازدهی اقتصادی، بهداشت، پیشرفت تحصیلی فرزندان، مهار جمعیت، برابری اجتماعی و توسعه فرهنگی-اجتماعی نقش دارد. اسفندیاری (۱۹۹۷)، پویا (۱۹۹۹)، کاندل و همکارانش (۱۹۸۹)، هافمن (۱۹۸۹)، دری (۲۰۰۰)، ایرجی‌زاد (۱۳۷۹)، مشیرزاده (۱۳۷۹)، عالی (۱۳۷۹)، علی‌پور (۱۳۷۸)، یونسیف (۱۳۷۳)، احمدی و حسن‌زاده (۱۳۸۱)، معروفی (۱۳۸۳)، سرور (۱۳۷۸)، انوری (۱۳۸۲) و پیشگاهی‌فرد و اسدی‌راد (۱۳۸۲) نیز به نتایج مشابه با یافته پژوهش حاضر دست یافتند. چون نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند، به‌منظور توسعه همه‌جانبه باید به این قشر عظیم و سرنوشت‌ساز در توسعه توجه کافی مبذول داشت. آموزش عالی و دانشگاه در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و سیاسی نقش دارد. آموزش عالی و دانشگاه در جامعه‌پذیری و رشد سیاسی دانشجویان مؤثر است. آموزش عالی و دانشگاه توانسته است در تحولات جمعیتی و تعاملات اجتماعی، کاهش انحرافات و کج‌رویه‌های اجتماعی، رونق اقتصادی، ایجاد فرصت‌های شغلی، فرزندپروری، افزایش مهارت‌های زندگی و حضور فعال و مؤثر زنان در تمام عرصه‌های زندگی تغییرات اساسی و مهمی ایجاد کند.

منابع

- آکوچکیان، احمد. (۱۳۸۲)، «منشور ملی زنان در فرایند توسعه پایدار»، *ماهنامه فرهنگی و پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان*، سال اول، شماره ۴.
- ایمانی، مصطفی و مرتضی مردیها. (۱۳۸۱)، *بررسی و تحلیل افزایش سهم زنان در آموزش عالی*، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی.
- ایرجی‌زاد، اعظم. (۱۳۷۹)، «بررسی مشارکت کیفی زنان در آموزش عالی و ارائه راهکارهایی جهت افزایش آن»، *مجموعه مقالات و گزارش‌های کنگره زن، دانشگاه، فردای بهتر*، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی.
- امیریان‌زاده، منصوره و مژده امیریان‌زاده، (۱۳۸۳)، *مجموعه مقالات همایش نقش زنان در توسعه پایدار*، وزارت آموزش و پرورش عمومی.
- احمدی، مسعود و رمضان حسن‌زاده. (۱۳۸۱)، *بررسی میزان تأثیر دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه اقتصادی و اجتماعی*، دانشگاه آزاد اسلامی ساری.
- انوری، مریم. (۱۳۸۲)، «زنان توانمند توسعه سیاسی و فرهنگی»، *ماهنامه فرهنگی و پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان*، سال اول، شماره ۴.

- افشاری، زهرا. (۱۳۶۹)، *اشتغال زنان و نقش آن در بازسازی اقتصادی کشور*، دانشگاه الزهرا(س)، طرح پژوهشی سازمان برنامه و بودجه.
- بریری، ناهید. (۱۳۸۳)، *مجموعه مقالات همایش نقش زنان در توسعه پایدار*، وزارت آموزش و پرورش، معاونت آموزش و پرورش عمومی.
- پیشگاهی فرد، زهرا و مریم اسدی‌راد. (۱۳۸۲)، «بررسی رابطه میان آموزش عالی زنان در ایران و حضور آنان در عرصه‌های قانونگذاری»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۲۹. تهرانیان، مجید. (۱۳۵۷)، «آموزش عالی در ایران»، *پژوهشکده*، سال دوم، شماره ۳.
- جاسبیر، سینگ. (۱۳۷۸)، «آموزش عالی و توسعه»، ترجمه عبدالحمید کاظمی، *توان دانایی*، ویژه اولین اجلاس عملکرد دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۵.
- چنگیزی آشتیانی، مهرانگیز. (۱۳۷۲)، *سهم تولید زنان در اقتصاد کشور*، طرح تحقیقاتی مرکز آمار ایران.
- حسن‌زاده، رمضان. (۱۳۷۹)، «فرا تحلیلی بر موانع و مشکلات روانی-اجتماعی پیشرفت زنان»، *مجموعه مقالات همایش بررسی مسائل اجتماعی*، استانداری مازندران، ۱۷ و ۱۸ اسفند ماه.
- حسن‌زاده، رمضان. (۱۳۸۰)، «بررسی پیامدهای روانی-اجتماعی اشتغال زنان و ارائه راهکارهایی برای رفع موانع اشتغال آنها»، *مجموعه مقالات همایش ملی بررسی راهکارهای علمی ایجاد اشتغال*، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
- حسن‌زاده، رمضان. (۱۳۸۳)، *روشهای تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، نشر ساوالان.
- حسن‌زاده، رمضان و محمدتقی مداح، (۱۳۸۵)، *روشهای آماری در علوم رفتاری*، تهران، انتشارات ویرایش.
- خزائی، عذرا و اعظم ایرجی‌راد. (۱۳۷۶)، «بررسی مشارکت زنان در آموزش عالی ایران»، *مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی*، جلد اول.
- خمسه، اکرم. (۱۳۷۹)، «رشد کمی دانشجویان دختر و آینده آموزش عالی»، *مجموعه مقالات و گزارشهای کنگره زن، دانشگاه، فردای بهتر*، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاون فرهنگی و اجتماعی.
- دهقانی، علی. (۱۳۷۶)، «بررسی تأثیر کیفیت و کمیت آموزشهای رسمی بر رشد اقتصادی کشور طی دوره‌های ۱۳۴۵-۷۰»، رساله دکتری منتشر شده، پژوهشنامه دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۷.
- رئوسی، سهیلا. (۱۳۷۸)، «نقش دانشگاه آزاد اسلامی در جامعه‌پذیری و رشد سیاسی دانشجویان واحد شوشتر»، دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر.

- زرگری. (۱۳۷۸)، «نقش دانشگاه آزاد اسلامی در پیشگیری از بزهکاری در استان کردستان»، دانشگاه آزاد اسلامی سندج.
- زنجانی‌زاده، هما. (۱۳۸۳)، «آموزش و پرورش و برابری فرصت‌های آموزشی جنسیتی و طبقاتی»، *مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش*، جلد دوم، تهران، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- سفیری، خدیجه. (۱۳۷۳)، «بررسی جنبه‌های کمی و کیفی اشتغال زنان و رابطه آن با توسعه اقتصادی»، پایان‌نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- سرور، رحیم. (۱۳۷۸)، نقش دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه فردی و تقویت بنیادهای شهروندی، *توان دانی*، ویژه اجلاس عملکرد دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۵.
- شکوری‌راد، صدیقه و محمدعلی کریمی. (۱۳۸۰)، *توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی*، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی.
- صابر، فیروزه. (۱۳۷۴)، «بررسی نقش زنان در اهداف و سیاست‌های آموزشی برنامه‌های توسعه کشور»، تهران، مدیریت صنعتی.
- صفوی، رشاد. (۱۳۷۸)، «نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرستان خلخال»، دانشگاه آزاد اسلامی خلخال.
- صحرائیان، مهدی. (۱۳۸۲)، «نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی»، *نشریه خراسان*.
- علی‌پور، فرهاد. (۱۳۷۸)، «بررسی نابرابری‌های فرصت‌های آموزشی در بین دختران و پسران دوره‌های راهنمایی و متوسطه مناطق استان کهگیلویه و بویراحمد در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۷۸»، کمیسیون امور بانوان استانداری کهگیلویه و بویر احمد.
- عبدوس، میترا. (۱۳۸۳)، «بررسی عوامل مؤثر در فرصت‌های آموزشی نابرابر بین دختران و پسران راهکارهای مؤثر برای رفع آنها»، *مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش*، جلد دوم، تهران، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- عالی، شهیندخت. (۱۳۷۹)، «بررسی مسائل و مشکلات استادان زن در دانشگاهها»، *مجموعه مقالات و گزارشهای کنگره زن*، دانشگاه فردای بهتر، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی.
- قدیمی، اکرم و مریم قاسمی. (۱۳۸۲)، «تأثیر ادراک مدیران بر تحقق قابلیت‌های زنان در فرایند توسعه»، *ماهنامه فرهنگی و پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان*، سال اول، شماره ۴.

- گوی‌آبادی، علی اکبر و حمیدرضا ریاحی. (۱۳۸۲)، «شکوفایی زنان ایرانی در جامعه دانایی محور»، *ماهنامه فرهنگی و پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان*، سال اول، شماره ۴.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۷۹)، «جنبش زنان در غرب و تأثیر آن بر محیطهای دانشگاهی»، *مجموعه مقالات و گزارشهای کنفرانس زن*، دانشگاه فردای بهتر، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی.
- معروفی، پروین. (۱۳۸۳)، «تأثیر آموزش و پرورش در انجام اصلاحات با تأکید بر نقش ملاحظات جنسیتی»، *مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش*، جلد دوم، تهران، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، (۱۳۷۶)، «بررسی وضعیت آموزشی زنان در دانشگاهها و مؤسسات وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی سالهای ۷۵-۱۳۷۰».
- نژادبهرام، زهرا. (۱۳۸۲)، «مقایسه تطبیقی مشارکت سیاسی زنان در ایران و جهان»، *ماهنامه فرهنگی و پژوهشی مرکز امور مشارکت زنان*، سال اول، شماره ۴.
- یزدانی، جواد. (۱۳۸۳)، *آموزش توانمندسازی و اشتغال زنان*، تهران، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
- یونسیف. (۱۳۷۳)، *راهبردهایی در راستای ترویج آموزش دختران*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- BORDEN, L.M. , CRAIG, D.L. , and VILARRUEL, F.A. (2004), Professionalizing youth development : The role of higher education. *New Directions for Youth Development*. Volume 4,104,17 Dec. pp: 75 – 85.
- DERRY, J. (2000), *Education in Times of Transition*, london: kogan page limited.
- ESFANDIARI, H. (1997). *Reconstructed lives women and Iran's Islamic Revolution*, Washington DC: The Johns Hopkins University Press.
- FONG, ML., & AMATEA, E.S. (1992). Stress and single professional women: An exploration of causal factors. *Journal of Mental Health Counseling*, 14,20 – 29.
- GIBSON, ROBERT L. & MITCHELL, MARIANNE H, (1996). *Introduction Counseling and Guidance*. Fifth edition.
- HOFFMAN, L.W. (1989). Effects of maternal employment in the two-parent family. *American psychologist*, 44,283 – 292.
- KANDEL, D.B., DAVIES, M. , & RAVEIS, V.H. (1985). The stressfulness of

- daily social roles from women : marital, occupational, and household roles. *Journal of Health and social Behavior*, 26,64 – 78.
- LAWSON, ROBERT B, & SHEN, ZHENG. (1998). *Organizational psychology : Foun dations & Applications*. By Oxford university press, Inc.
- NOFISINGER J.B. (2002). Facilitating economic development through strategic alliances. *New Directions for youth Development*. Volume 2,120,11 Dec. pp: 19 – 28.
- PALUDIA, M.A. (1991). Sociopsychological and structural factors related to women’s vocational development. *Annual of the NewYork Academy of Sciences*, 157,168.
- POYA, M. (1999). *Women, work, and Islamism*. London & NewYork : Zed Book ltd. press.
- RESKIN, B. (1993). Sex Segregation in the Workplace. *Annual Review of sociology*. pp. 241 – 270.
- SCARR, S. PHILIPS, D., & McARTNEY, K. (1989). Working mothers and their families. *American psychologist*. 44,1402 – 1409.
- SCHAEFER, R. T. and LAMM, R. P. (1998). *Sociology*. The McGraw-Hill companies, Inc.
- SALEHI, E. (2001). *A study of the Expansion of Higher Education in Iran with particular Reference to Women’s participation*. (A Ph.D thesis) , Bath : University of Bath.
- <http://www.britishcouncil.org/peru-education-exchanges-and-scholarships-hels-peru.htm?>
- <http://www.gainesvilletoday.com/2004/05/education.asp>
- <http://www.iranwomen.org/>
- <http://www.igc.apc.org>
- <http://www.iraninstitutue.com/1384/840503/html/women.htm>
- <http://www.modares.ac.ir/persian/Faculities/ws/>

تاریخ وصول: ۸۵/۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۰/۱۲